

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هفتم، شماره‌ی بیست و هشتم، زمستان ۱۳۹۴، صص ۹۳-۱۱۲

فرش به روایت شاهنامه فردوسی در دوره‌های پیشدادیان و کیانیان

شهدخت رحیم‌پور*

چکیده

فرش دستباف یکی از شاخصه‌های هویت ایرانی است که در جهان شناخته شده است و در بازنگری قدمت فرش، پیوند آن را با اسطوره‌های این سرزمین می‌توان دریافت. در این پژوهش، به فرش عصر پیشدادی و کیانی، با هدف شناخت و تحلیل کاربردهای آن، به روایت شاهنامه فردوسی توجه شده است. به دلیل ماهیت تجزیه‌پذیر الیاف فرش و در دسترس نبودن نمونه بافته‌هایی از گذشته‌های دور، بازخوانی تاریخ فرش ایرانی را در منابع مکتوب می‌توان جستجو کرد. از این رو پژوهش حاضر به‌طور خاص، به شاهنامه فردوسی به عنوان برگ مهمی از تمدن ایرانی در واکاوی فرش عصر پیشدادی و کیانی توجه دارد. شیوه گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. نتایج نشان می‌دهد که علاوه بر کاربرد ادبی فرش در زبان فردوسی و اشاره به سیر فرش بافی، هفت کاربرد فرش که در آن دوران بدان اشاره شده است عبارتند از: مراسم جشن و اعیاد، مراسم تدفین و سوگواری، هدیه و پیشکش، جهیزیه عروس، غنائم جنگی، تجارت و اموال خزانه. واژه‌های کلیدی: فرش، دوره‌ی پیشدادیان، دوره‌ی کیانیان، شاهنامه فردوسی.

* کارشناس ارشد فرش، مدرس گروه فرش مرکز علمی کاربردی آموزش بازرگانی شیراز.
(shrr107@yahoo.com)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۷ تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۲/۷

مقدمه

این پژوهش نظری، با بررسی اشعار شاهنامه و شناسایی کاربردهای فرش در دوران پیشدادی و کیانی در پی پاسخ‌گویی تکامل فرآیند تولید فرش در گذشته کهن تمدن ایرانی است. دوره‌ی پیشدادی و بخشی از عصر کیانی به عنوان دوران اساطیری تمدن ایرانی محسوب می‌شوند. در ریشه‌های باستانی و پیش از تاریخ اسطوره، پیوندی از تخیل و واقعیت بوده، امری که از انسان مستثنی نمی‌شود. بخشی از این دنیای اسطوره‌ای تمدن ایرانی در شاهنامه آمده است. شاهنامه به‌عنوان بازتاب‌دهنده هویت ملی به تعبیر یارشاطر به واسطه داشتن چارچوب ظریف و توجه به جزئیات، همچنان مهم‌ترین منبع برای تاریخ ایران پیش از اسلام باقی مانده است.^۱ شاهنامه فردوسی ریشه در ساختار زندگی دودمانی و قبیلگی کهن دارد و در واکاوی مولفه‌های کهن تمدن این دیار همچون فرش به عنوان هنر بومی ایرانی مرجعی غنی است که در اینجا به آن دقت نظر داریم.

مسئله این است که «فرش ایرانی» از ویژگی‌های بارز فرهنگ و تمدن ایرانی است که در جهان شناخته شده و معرف هویت و تمدنی کهن از مردمانی توانمند است که تاریخی دیرینه را در شناسنامه خود دارند. متخصصین فن، قالی‌پازیریک را به عنوان کهن‌ترین بافته متعلق به ایران می‌دانند. اینکه، بدون سنت کهن بافندگی بافته متکامل پازیریک در ۲۵۰۰ پ.م شکل گرفته باشد دور از ذهن است. به یقین زمان کهن تری برای دستیابی به شیوه بافت منسجم و توسعه بافندگی صرف شده است. لذا در جامعه‌ای که بر اساس یافته‌های تاریخی ابزارهای بافندگی تا به امروز تغییرات قابل توجهی نداشته‌اند و تفکر سنتی غالب است. می‌توان ریشه‌های شکل‌گیری و توجه به بافت فرش را در دوران کهن جستجو نمود.

بخشی از اندیشه غالب هر سرزمینی در اسطوره‌های آن سرزمین وجود دارد، که ماهیت تمدن و توسعه فرهنگ آن دیار را شکل می‌دهد. از این‌رو قبل‌تر از توجه به شواهد فیزیکی باستان‌شناسی، به اندیشه عمیق و کهن در تفکر ایرانی درباره فرش دقت نظر داریم.

۱. جی. آ. بویل (۱۳۸۹)، تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (ج ۳/بخش اول)،

ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ص ۴۷۳.

سوالات مطرح شده در این پژوهش، عبارتند از اینکه؛ در عمیق ترین ریشه‌های فرهنگ ایرانی چه کاربردهایی برای فرش وجود داشته است؟ و آیا برای کاربردهای اشاره شده در ساختار امروز نیز معادل‌هایی یکسان وجود دارد یا خیر؟

در واکاوی بن‌مایه‌های نقوش فرش، تأثیر اعتقادات و باورهای کهن ایرانی در نقوشی مانند گلستان، ماهی، شکارگاه، و ... قابل دریافت است.^۱ این مهم در کنار اشارات متون متعدد به سویه کاربردی فرش، بررسی سنت فرش‌بافی و استفاده از بافته‌ها در نخستین دوره‌های فرهنگ این دیار ارتباطی عمیق از گذشته تا به اکنون را نشان می‌دهد که در جایگاه خود علاوه بر بعد اقتصادی و تجاری، معرف فرهنگ ایرانی است. هرچند به‌جز فرش پازیریک دوره هخامنشی که شاهی زنده است؛ حتی تا سده‌های نخستین دوران اسلامی نمونه فرشی موجود نمی‌باشد؛ اما در متون متعدد مانند *حدود العالم من المشرق الی المغرب* از فرش، گلیم، پلاس در شهرهای مختلف ایران نام برده شده است.^۲ مقدسی بر فرش‌های خوب و عالی در شوشتر، دارابجرد و فسا تأکید دارد.^۳ اصطخری اشاره دارد که «از جهرم افکنندنی‌های نیکو خیزد. ... و از غندجان بساط‌ها و بردهای نیکو خیزد».^۴ در کتاب *تاریخ سیستان گنجینه دژ خرمة فارس* را شامل درم و دینار و فرش و دیبا و سلاح قیمتی برمی‌شمارد.^۵ اشارات این متون هر چند نمونه فرشی از این دوران در دسترس نباشد، تأکیدی بر استمرار حیات فرش‌بافی ایران زمین است.

هدف کلی در این مقاله، بررسی جایگاه فرش ایران در دوره‌های پیشدادیان و کیانیان است. بدین منظور از یک سوی، در پی استخراج آرای فردوسی درباره‌ی کاربرد فرش و

۱. علی حصوری (۱۳۸۱)، *مبانی طراحی سنتی در ایران*، تهران: چشمه.

۲. مولف ناشناس (۱۳۶۲)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ترجمه منوچهر ستوده، تهران: طهوری، ص ۱۰۲-۱۳۵.

۳. مقدسی (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ص ۴۶۴.

۴. اصطخری (۱۳۴۷)، *مسالك و ممالک*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۳۴.

۵. مولف ناشناس (۱۳۱۴)، *تاریخ سیستان*، به‌تصحیح محمدتقی ملک‌الشهرای بهار، تهران: زوار، ص ۲۳۱.

اشاراتی که به فرش‌بافی در این دو دوره دارد هستیم و از سوی دیگر، با استفاده از دستاوردهای این کار در جهت توسعه زمانی فرش‌بافی در ایران می‌توانیم گام برداریم؛ به بیان دیگر، با استخراج مفاهیم اشاره شده در ارتباط با فرش در شاهنامه فردوسی عمق مفاهیم هنری و کاربردی فرش و مطابقت کاربردهای گذشته با استفاده‌های زمان اکنون، امکان ارتباطی پیوسته از بازه پیشین فرهنگ ایرانی تا به امروز را نشان می‌دهد.

اهمیت موضوع در واکاوی اسطوره‌ها، به این دلیل است که در تمدن ایرانی پیوستگی و تأثیر باورهای اساطیری با دوران تاریخی غنی است. به تعبیر نولدکه در نزد ایرانیان هیچ فرقی مابین دوره‌ی تاریخی و اساطیری نبوده است.^۱ از این رو، موضوع کهن بودن فرش‌بافی و کاربرد فرش در فرهنگ ایرانی علاوه بر تأکید بر اصالت این دست‌بافته، در بعد فرهنگ به عنوان مولفه‌ای پویا، جایگاه فرش این سرزمین را از گذشته تا به اکنون نشان می‌دهد. جنبه‌های متعدد کاربرد فرش که در شاهنامه‌ی فردوسی به آنها اشاره شده است مبنایی متکی بر باور مردمانی است که هنر هزاره‌های کهن را تا به امروز حفظ کرده‌اند.

محققان متعددی به پژوهش و نگارش کتاب، درباره بخش اساطیری ایران پرداخته‌اند. مهرداد بهار در کتاب‌های پژوهشی در *اساطیر ایران*، *جستاری چند در فرهنگ ایران* و از *اسطوره تا تاریخ* به پایه‌های اساطیر ایرانی توجه دارد. میرچاه الیاده درباره اسطوره آفرینش در ایران مطالعه نموده، دومیل در مطالعه اساطیر ایرانی بر جنبه افسانه‌ای سلسله کیانیان تأکید دارد.^۲ کریستن سن در کتاب *نخستین انسان و نخستین شهریار* به بررسی سلسله‌ی پیشدادی بر اساس متن‌های ودایی، اوستایی و دوره‌ی اسلامی، پرداخته است و در کتاب *کیانیان* بر اساس روایت‌های دینی و ملی به سلسله کیانی توجه داشته و جنبه تاریخی این سلسله را تأکید می‌نماید.

مقاله‌هایی چند نیز در این زمینه نگاشته شده است، راشد محصل و تهامی در مقاله خود به روند تحول اساطیر ایران بر بنیاد اسطوره‌های پیشدادی و کیانی دقت نظر دارند. بذرافکن و روحانی به بررسی تغییرات اجتماعی زندگی انسان از جامعه‌های شبانی تا دوران

۱. تئودور نولدکه (۱۳۵۷)، *حماسه ملی ایران*، ترجمه بزرگ علوی، تهران: سپهر، ص ۱۵.

۲. روز باستید (۱۳۷۰)، *دانش اساطیر*، ترجمه جلال ستاری، تهران: ققنوس، ص ۷۰.

پادشاهان مختلف پرداخته‌اند. پیامی در بررسی روند تغییرات اقتصادی میزان رشد صنایع در شاهنامه فردوسی به صنعت نساجی نیز اشاره دارد. درباره فرش دوره‌های پیشدادی و کیانی به طور خاص تاکنون مطالعه‌ای یافت نشد و این مقاله به تحلیل کاربردهای فرش دوره پیشدادیان و کیانیان به روایت شاهنامه فردوسی پرداخته است.

فرش ایرانی

فرش‌ها حامل اطلاعاتی پیرامون جهان‌بینی تمدن‌ها هستند. «فرش در اصطلاح زیراندازی است که با دست بافته می‌شود»^۱. محققان نتوانسته‌اند زمان دقیقی برای تهیه اولین بافته تعیین کنند. اینکه اولین فرش بافته شده به صورت تار و پود به کدام سرزمین تعلق دارد به درستی معلوم نیست. «اما آنچه در سال ۱۹۴۹ میلادی کشف شد [پازیریک] تنها نادره‌ی فرش از دوران شکوهمند پادشاهان هخامنشی است که تا به امروز به عنوان یگانه سند موجود از قالبیابی آن عهد مورد توجه تمام فرش‌شناسان و محققان شرقی قرار گرفته است»^۲. ایرانی بودن قالی پازیریک صحه گذاشتن بر قدمت دیرینه فرش‌بافی در بین مردمان این دیار است که پیشینه کهنی را از نظر رشد و تکامل فرش‌بافی گذرانده‌اند. ورق زدن تاریخ کهن فرش ایران با در دسترس نبودن شواهد فیزیکی به کمک متون باقی مانده ممکن بوده و می‌توان با بازبینی دوره‌های مشخصی از تمدن ایرانی، اهمیت این دستبافته را دریافت. این مقاله به دو دوره پیشدادی و کیانی توجه دارد. دوره پیشدادی دوره اساطیری و بخشی از دوره کیانی دوران اساطیری تمدن ایران محسوب می‌شود و از آنجا که با کاستی منابع و شواهد مواجه بوده؛ از این رو به شاهنامه فردوسی به عنوان مرجع هویت ملی ایرانی دقت نظر داشته‌ایم.

دوره‌های پیشدادی و کیانی، و شاهنامه فردوسی

شاهنامه؛ حماسه ملی است. به تعبیر ثاقب‌فر «حماسه ملی محتوایی عمیقاً سیاسی - فرهنگی دارد»^۳ فردوسی با زبان آوری، افسانه‌های کهن را در می‌پیوندد و پرنده زربفت و

۱. فضل‌الله حشمتی رضوی (۱۳۸۷)، تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران، تهران: سمت، ص ۵.

۲. تورج ژوله (۱۳۸۱)، پژوهشی در فرش ایران، تهران: بساوی، ص ۴.

۳. مرتضی ثاقب‌فر (۱۳۷۷)، شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، تهران: قطره، ص ۹.

گرانها از ادب بر تن آنها فرومی پوشد؛ اما رمزهای افسانه را پدید نمی آورد،^۱ سراینده شاهنامه تأکید دارد که شاهنامه، نامه‌ای خسروی بوده و توسط او جمع‌آوری شده است.

ازین نامور نامه شهریار	بمانم به گیتی یکی یادگار
تو این را دروغ و فسانه مدان	به یکسان روشن زمانه مدان ...
یکی نامه بود از گه باستان	فراوان بدو اندرون داستان
پراکنده در دست هر موبدی	ازو بهره‌ای نزد هر بخردی ^۲

شاهنامه در یک بخش بندی دودمانی بر پایه شهریاری‌های چندگانه به چهار بخش «پیشدادیان» (از کیومرث تا زوطهماسب)، «کیانیان» (از کی قباد تا داراب)، «اشکانیان» (شهریاران پارتی)، «ساسانیان» (از اردشیر بابکان تا یزدگرد سوم) که دو فاصله‌ی فرمانروایی بیگانه، یعنی ضحاک (در میانه دوره یکم) و اسکندر و جانشینانش (در میانه دوره دوم و سوم) را نیز در بر می‌گیرد.^۳ سلسله‌های پیشدادی و کیانی شامل دوره دوازده هزار ساله‌ی زردشتی و یا نه هزار ساله‌ی زروانی آفرینش است که تقابل دنیای نیکی و بدی یا تاریکی و روشنی را در برمی‌گیرد. پیدایش اندیشه و اعتقاد به وجود دیوان و پریان، ظهور افراد ستمگری مانند ضحاک و افراسیاب، عظمت و شکوه ایران و اهمیت پادشاهی، ارتقا انسان (پادشاهان، پهلوانان) و قرار گرفتن به جای ایزدان از ویژگی‌های عصر پیشدادی و بخشی از دوره کیانی است.^۴

در الواح عیلامی بدست آمده از تخت جمشید، نام‌های اساطیری و افسانه‌ای مانند یمه (بیمه، جم)، یمکه، یمکشدا (اوستایی بیمه خشثیته فارسی جمشید)، زاماشبه (زاماسپ) و

۱. میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۸۰)، *مازهای راز*، تهران: مرکز، ص ۶۲.

۲. ابوالقاسم فردوسی (۱۳۶۶)، *شاهنامه فردوسی*، به‌کوشش جلال خالقی‌مطلق، نیویورک و کالیفرنیا: مزدا و Bibliotheca Persica، ص ۱۲ و ۱۱، بیت‌های ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۳، ۱۱۲.

۳. جلیل دوستخواه (۱۳۸۴)، *شناخت نامه‌ی فردوسی و شاهنامه*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ص ۵۷.

۴. محمدتقی راشد‌محصل، مرتضی تهمانی، «سیر تحول اساطیر ایران بر بنیاد اسطوره‌های پیشدادی و کیانی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۱۱، پاییز و زمستان، ۱۳۸۷، ص ۳۱.

نریشنگه (نبرد یوشنگه)، وجود دارد، نام‌هایی که آنها را از روایت مشرق ایران شناخته‌اند. همچنین کتیسیاس نام غاصب تاج و تخت پس از کمبوجیه را اسفندادابس (اسفندیار) یاد می‌کند.^۱ «یافت شدن این نام‌ها احتمالاً نشانه آن است که در ادوار کهن افسانه‌های شرق به جنوب و غرب نیز دامن گسترده بود؛ اما آنچه بیشتر محتمل است این است که آنها اندوخته‌ای از اساطیر و افسانه‌های سراسر ایران بودند که میراث روزگاری بودند که ایرانیان هنوز در استیلا به سر می‌بردند، ولی روایات محلی؛ اصلاحات و دگرگونی‌هایی در آنها پدید آوردند. وجود چنین روایتی در مغرب را گزارش‌های نویسندگان عهد باستان که تماس آنها عمدتاً با مغرب و جنوب ایران بوده تأیید می‌کنند».^۲ در واقع می‌توان گفت «سلسله‌های پیشدادی و کیانی هرچند با تاریخ مکتوب ایران مستقیماً پیوند ندارد، حلقه‌های رابط گذشته اساطیری ایران با گذشته تاریخی آن هستند».^۳

فرش یا گستردنی دوران پیشدادی و کیانی در شاهنامه

بر اساس شاهنامه، دوره‌ی حکومتی پیشدادیان با کیومرث آغاز می‌شود؛ او نخستین پادشاه است که پس از او، هوشنگ به پادشاهی می‌رسد. پس از هوشنگ در زمان پادشاهی طهمورث، صنعت ریسندهی مورد توجه واقع می‌شود. استفاده از واژه گستردنی نیز برای نخستین بار در زمان طهمورث در شاهنامه آمده است.

پس از پشت میش و بره پشم و موی برید و به رشتن نهادند روی
بکوشش از او کورد پوشش برای بگستردنی بد هم او رهنمای^۴
در شاهنامه، واژه‌ی گستردنی معادل واژه‌ی فرش آمده است، ... علاوه بر آن در برخی کتاب‌های قدیمی واژه‌ی بساط نیز معادل فرش در نظر گرفته شده است.^۵ در حکومت

۱. تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (ج ۳/بخش اول، ص ۴۹۹).

۲. همان، ص ۵۰۰.

۳. «سیر تحول اساطیر ایران بر بنیاد اسطوره‌های پیشدادی و کیانی»، ص ۳۲.

۴. شاهنامه فردوسی، ص ۳۵، بیت ۷، ۶.

۵. مدیریت هنر و صنعت فرش ایران، ص ۴، ۳.

موروثی پیشدادیان پس از طهمورث، جمشید پادشاه می‌شود. استفاده از الباف متعدد برای بافت از مولفه‌های این دوره تمدن پیشدادی است.

ز کتان و ابریشم و موی و قز قصب کرد پرمایه دیبا و خز
 بیاموختشان رشتن و تافتن بتار اندرون پود را بافتن
 چو شد بافته شستن و دوختن گرفتند از او یکسر آموختن^۱

جمشید آخرین پادشاه قدرتمند پیشدادی است که رشد هنر بافندگی مملکت، در دوره‌ی حکومتش سیر صعودی دارد. او مهم‌ترین شخصیت دوره پیشدادی است که در نهایت، ضحاک بی‌فره و فریب‌خورده اهریمن، پادشاهی را از او می‌ستاند.^۲ دوران ضحاک رواج ستمگری و حکومتی استبدادی بوده و با انقلاب مردمی برای رهایی از ستمگری و سرنگونی ضحاک، فریدون به پادشاهی می‌رسد. در ادبیات فردوسی، در زمان حکومت فریدون کلماتی مانند پرنیان که بر تابوت ایرج کشیده شده است و یا دیبه هفت رنگ، دیبا و خز و حریر از خاور به ایران فرستاده می‌شوند که جز هدایای سلم و تور به دربار فریدون می‌باشند و نامی از گستردنی یا فرش در این دوران دیده نمی‌شود. پس از فریدون، نوه او منوچهر به پادشاهی می‌رسد. در زمان منوچهر شمار هدایای منوچهر به سام، از گستردنی نام برده شده است.

ز دینار و خز و ز یاقوت و زر ز گستردنی‌های بسیار مر^۳
 گستردنی‌ها، معمولاً پوشش‌هایی بوده که در مکان نشستن، تخت شاهان و کف‌پوش رایج بوده که امروزه به فرش اطلاق می‌شود. در شاهنامه، نخستین بار دیبای زربفت از جمله هدایای مهرباب کابلی به دربار سام است. همچنین در هدایای سیندخت - زن مهرباب کابلی - برای دربار سام برای نخستین بار از فرش نام برده می‌شود.

بسان سپهری یکی تخت زر برو ساخته چند گونه گهر
 برش خسروی بیست پهنای او چو سیصد فزون بود بالای او

۱. شاهنامه فردوسی، ص ۴۲، بیت ۱۷، ۱۶، ۱۵.

۲. مهرداد بهار (۱۳۷۶)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکر روز، ص ۸۳.

۳. شاهنامه فردوسی، ص ۱۷۷، بیت ۱۹۵.

فرش به روایت شاهنامه فردوسی در دوره پیشدادیان و کیانیان ۱۰۱

و زان ژنده پیلان هندی چهار همه جامه و فرش کردند بار^۱
در بازگشت سیندخت به دربار مهرباب هدایای سام به وی شامل گستردنی نیز می‌باشد.
دگر چارپایان دوشی—دنی ز گستردنی هم ز پوشیدنی^۲
در پاسخ هدیه سیندخت برای بارگاه سام در زمان حکومت منوچهر، گستردنی از جمله
هدایای سام برای سیندخت است که می‌تواند ناشی از تنوع و تفاوت گستردنی‌های دو اقلیم
باشد. همچنین در همین زمان، به واژه‌ی بساط اشاره شده است، که در بازگشت سیندخت
و آمدگی دربار کابلستان برای پذیرایی زال کاربرد داشته است.
بساطی بیفکند پیکر به زر زبرجد برو بافته سر بسر
دگر پیکرش درخوشاب بود که هر دانه قطره آب بود^۳
تنها اشاره به طرح فرش که به صورت سر بسر بافته شده و معادل امروزی آن را طرح
سراسری قالی گویند همراه با اشاره به آراستن آن با زر و دانه‌های درشت خوشاب یادآور
بخشی از ویژگی‌های فرش بهارستان عصر ساسانیان است.
در بازگشت رستم از ایران به دربار زال گستردنی از جمله هدایایی است که رستم
همراه خود بدان سرزمین می‌برد.
ز پوشی—دنی و ز گستردنی زهر چیز کان باشد آوردنی^۴
موارد اشاره شده فوق تا قبل از پادشاهی کیقباد است که این روند به‌طور مداوم در دوره‌ی
کیانیان ادامه می‌یابد. مثلاً از جمله هدایای کیقباد به دربار سام، شامل گستردنی زربفت بوده
است.
نهادند مهد از بر پنج پیل ز پیروزه رخشان بکردار نیل
بگسترد زربفت بر مهد زر یکی گنج کش کس ندانست مر
فرستاد نزدیک دستان سام که خلعت مرا زاین فزون بود کام^۵

۱. همان، ص ۲۳۹، بیت ۱۰۹۳-۱۰۹۰.

۲. همان، ص ۲۴۴، بیت ۱۱۷۵.

۳. همان، ص ۲۵۸، بیت ۱۳۵۳-۱۳۵۲.

۴. همان، ۳۱۵، ۱۴۱۲ و ۱۴۱۳.

۵. همان، ص ۳۵۵، بیت ۱۵۴۱-۱۵۱۱.

تا پیش از این مورد، گستردنی زربفت از جمله هدایای دربار مهرباب کابلی به پادشاه ایران بود. توسعه توان بافت فرش زربفت در میان ایرانیان آن گونه است که گستردنی زربفت جز هدایای شاهان کیانی ایرانی به سایر سرزمین‌ها نیز قرار می‌گیرد. در زمان کاووس شاه که پس از کیقباد به سلطنت می‌رسد و از پادشاهان بزرگ کیانی است در مازندران مکان کاووس شاه با گستردنی زربفت وصف شده است.

بگسترد زربفت بر میش سار هوا پر زبوی از می خوشگوار
همه پهلوانان فرخنده پی نشستند بر تخت کاووس کی^۱

در واقع گستردنی زربفت، یکی از انواع گستردنی‌های خاص دوره‌ی کیانیان است. علاوه بر آن، در این زمان به دیبه خسروی اشاره شده است که بخشی از هدایای کاووس شاه به درگاه نیمروز است. دیبه خسروی در گروه گستردنی‌ها و پوشیدنی‌ها قرار می‌گیرد. چنان که فردوسی اشاره دارد بر تابوت مردان نامی کشیده می‌شده است. در وصف تابوت سهراب آمده است:

بفرمود تا دیبه خسروان کشیدند بر روی پور جوان^۲

و پس از دیدار سام از تابوت سهراب اشاره می‌شود که

پوشید بازش به دیبای زرد سر تنگ تابوت را سخت کرد^۳

دیبه خسروانی یا همان دیبای زرد رنگ به عنوان افکندنی بر تابوت آمده است.

در بازگشت سیاوش از زابلستان به نزد کیکاووس، هدایای همراه او نیز شامل انواع گستردنی و پوشیدنی است.

ز پوشیدنی هم ز گستردنی ز هر سو بیاورد آوردنی^۴

در پاورقی همان صفحه، در اشاره به کلمه گستردنی آمده است، گستردنی به معنای افکندنی، آگندنی و المفارش.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۳، بیت ۱۶۵، ۱۶۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۴، بیت ۹۶۳.

۳. همان، ص ۱۹۸، بیت ۱۰۰۶.

۴. همان، ص ۲۰۸، ۸۹.

فرش به روایت شاهنامه فردوسی در دوره پیشدادیان و کیانیان ۱۰۳

همان‌طور که از حکومت ضحاک به عنوان دوره‌ی حکومت بیگانه عصر پیشدادی یاد می‌شود، حکومت افراسیاب در دوره‌ی کیانیان نیز حکومتی بیگانه است. با این حال در دربار افراسیاب گستردنی کاربرد داشته است. مثلاً در پذیرایی از سیاوش و ابراز دوستی افراسیاب هدایایی که به سیاوش داده می‌شود گستردنی آمده است.

از ایوانها پس یکی برگزید همه کاخ زربفتها گسترد^۱
از اسپان تازی به زرین ستام چه شمشیر هندی به زرین نی
یکی تاج پر گوهر شاهوار ز گستردنی صد شتروار بار^۲

اشاره به گستردنی زربفت در دربار افراسیاب، در مواردی مانند پذیرایی از سیاوش هنگام انتخاب فرنگیس به همسری آمده است.

ز گستردنی‌ها شتروار شست ز زربفت پوشیدنی‌ها سه دست^۳
یا هدایای افراسیاب برای فرنگیس که شامل گستردنی نیز بوده

ز گستردنی‌ها و از بوی و رنگ بین تا ز گنجت چه آید به چنگ
فرنگیس را هدیه بر همچنین برو با زبانی پر از آفرین^۴

و در جای دیگر، ز گستردنی‌ها و از بیش و کم ز پوشیدنی‌ها و از گنج درم^۵ اشاره شده است.

پس از پیروزی رستم بر اکوان دیو هدایای شاه ایران به وی شامل:

ز گستردنی‌ها و از تخت عاج ز دیبا و دینار و پیروزه تاج
به نزدیک رستم فرستاد شاه که این هدیه با خویشتن بر براه^۶

در شاهنامه فردوسی، اشاره‌ای متفاوت از پیشکش بودن گستردنی در دوره‌ی کیانیان

۱. همان، ص ۲۸۷، بیت ۱۳۰۱.

۲. همان، ۲۵۴، بیت ۷۹۷، ۷۹۶.

۳. همان، ص ۳۰۲، بیت ۱۵۲۵.

۴. همان، ص ۳۲۰، ابیات ۱۷۴۷، ۱۷۴۶.

۵. همان، ص ۳۷۵، بیت ۲۵۰۵.

۶. همان، ۳۱۴، بیت ۱۸۲۲.

آمده است؛ آن هنگامی است که رستم برای نجات بیژن در کسوت بازرگان وارد سرزمین توران شد:

به کردار بازرگانان شدن شکبیا فراوان بتوران بدن
ز گستردنی هم زپوشیدنی بیاید بهایی و بخشیدنی^۱

که در خبر حضور رستم در سرزمین بیگانه چنین آمده است:

خبر شد یکی کـاروان بیامد بر نامـور پهلوان
ز هر سو خریدار بنهاد گوش چو آگاهی آمد زگوهر فروش
خریدار دیبا و فرش و گهر به درگاه پیران نهادند سر^۲

پس از بازگشت بیژن به دربار ایران، هدایای کیخسرو به بیژن جهت اهدا به منیژه شامل فرش نیز بوده است:

یکی تاج و ده بدره دینار نیز پرستنده و فرش و هر گونه چیز^۳

در جشن پیروزی ایرانیان برابر سپاه ترکان و هدایای کیخسرو برای گیو، از افکندگی یاد شده است که با گستردنی یک معنی می‌دهند.

همان جامه تخت و افکندنی زرنـگ و ز بو و از پراکندگی
فرستاده گیو را خواندند بر اورنگ زرینش بنشانند^۴

در دوران پادشاهی لهراسب، زمانی که گشتاسب به سرزمین روم وارد می‌شود سه بار از گستردنی نام برده شده است؛ نخست، در مواجهه گشتاسب با ساربانان در روم، در انتخاب همسری گشتاسب توسط کتایون - دختر قیصر روم - و در دیدار گشتاسب با هیشو کشتی‌بان

خردمند چون روی گشتاسب دید پذیره شد و جایگاهش گزید

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۱، بیت ۱۷۰۴.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۵۵، ابیات ۲۳۱۵-۲۳۱۴.

۳. همان، ص ۲۱۲، بیت ۱۲۰۹.

۴. همان، ص ۱۱۸، بیت ۶۱۳.

فرش به روایت شاهنامه فردوسی در دوره پیشدادیان و کیانیان ۱۰۵

سبک باز گسترد گستردنی بیاورد چیزی که بد خوردنی^۱
سرایبی پرداخت مهتر بده خورشها و گستردنی هرچ به^۲
در مواردی مانند تصرف بارگاه ارجاسب توسط اسفندیار برای نجات خواهرانش غنایم
همراه او شامل افکندنی‌ها نیز می‌شود:

از افکندنی‌های دیبا هزار بفرمود تا برنهادند بار
چو سیصد شتر جامه چینیان ز منسوج زربفت و از پرنیان^۳
همچنین پس از پادشاهی بهمن، فرزند اسفندیار، در مبارزه با خاندان سام گستردنی
نوعی غنایم محسوب می‌شود:

ز ایوان دستان سام سوار شتر بارها برنهادند بار
ز دینار و ز گوهر نابسود ز تخت و ز گستردنی هر چه بود^۴
به طور مشخص با بررسی اشعار شاهنامه فردوسی در عصر پادشاهی پیشدادیان، به
عنوان نخستین سلسله‌ی حکومتی در شاهنامه، و کیانیان که در اوستا، نام خانوادگی
سلسله‌ای سلطنتی نیست؛ اما در عهد ادبیات میانه ایرانی، در متن‌های پهلوی، افراد این
خاندان، پادشاهانی هستند که پس از پیشدادیان به فرمانروایی ایران رسیده‌اند.^۵ در ادامه به
کاربردهای فرش و معادل‌های آن در کاربردهای امروزی می‌پردازیم.

کلمات مرتبط و کاربردهای فرش در دوره‌های پیشدادیان و کیانیان در شاهنامه
کتان، پشم، ابریشم، قز(ابریشم بد قماش)، خز، حریر، دیبیه خسروانی، گستردنی، قصب،
جامه، بساط، طراز، فرش، زربفت، و پلاس مجموعه کلماتی هستند که در ارتباط با صنعت
بافت در شاهنامه به آنها اشاره شده است. این نوع بافته‌ها، در قالب پوشیدنی‌ها و
گستردنی‌ها و دسته‌ای مشترک از پوشیدنی و گستردنی قرار می‌گیرند. پوشیدنی‌ها شامل،

۱. همان، ج ۶، ص ۱۸، بیت ۲۴۲.

۲. همان، ص ۴۴، بیت ۶۵۴.

۳. همان، ص ۲۱۴، ابیات ۱۸۵۳، ۱۸۵۴.

۴. همان، ص ۲۴۳، بیت ۲۰۲۶.

۵. مهرداد بهار (۱۳۷۶)، جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: فکر روز، ص ۹۱.

دیپای زربفت، جامه، طراز، پرنیان، قصب و جامه پلاس می‌باشند. گستردنی‌ها شامل فرش، گستردنی، بساط، دیبه خسروی، افکندنی زربفت است. آنچه در پوشیدنی و گستردنی مشترک آمده نوع زربفت و دیبا بودن آنهاست. نوع الیاف نیز ابریشم، پشم و کتان (پنبه) است.

واژه‌ی فرش سه بار، واژه بساط یکبار و بیشترین فراوانی را واژه گستردنی در دوران پیشدادی و کیانی در شاهنامه دارد. از نظر حشمتی رضوی، در شاهنامه فردوسی آنچه به معنای فرش آمده در قالب گستردنی و یا بساط قرار می‌گیرد. در تعریف فرش آمده است «فرش کردن: ۱. گستردن فرش در کف اتاق ۲. کف اتاق یا حیاط را با آجر، کاشی یا موزائیک پوشاندن».^۱ گستردنی به معنای «لایق گستردن» در خور پهن کردن ۳. آنچه بر زمین پهن کنند چون قالی، حصیر و غیره؛ بساط».^۲ پاره‌ای از معانی بساط نیز عبارتند از: «۱. فرش گستردنی ۲. عرصه شطرنج ۳. سفره چرمین. بساط آراستن — فرش افکندن، بساط گستراندن».^۳ از میان معانی بساط، به سه مورد اکتفا نمودیم. کاربردهای متعدد فرش در دوره‌های پیشدادی و کیانی وجود دارد که با توجه به شاهنامه فردوسی هفت کاربرد گستردنی اشاره شده را بیان می‌کنیم.

۱. کاربرد ادبی: در زبان شاعرانه، آرایه‌های ادبی به غنای کلام شاعر می‌افزایند. در شاهنامه ترکیب «بگسترد داد» و یا «فرش جهان» و عباراتی مشابه، آرایه‌هایی‌اند که در زبان فردوسی استفاده شده‌اند.

۲. کاربرد فرش در تزیینات جشن و اعیاد: ایرانیان در پیروزی بر دشمن، موارد خوشایند فرهنگی و اعتقادی، مراسم خواستگاری و بازگشت قهرمانان به دیار خود پس از نبرد در تدارک جشن از انواع گستردنی‌ها استفاده می‌نمودند که در بخش قبل به نمونه‌هایی از آن اشاره شد.

۳. کاربرد در مراسم تدفین و سوگ: حضور پرنیان یا دیپای زرد رنگ و دیبه خسروی به

۱. محمد معین (۱۳۸۸)، فرهنگ لغت، ج ۳، تهران: دانشگاه.

۲. همان.

۳. همان.

فرش به روایت شاهنامه فردوسی در دوره پیشدادیان و کیانیان ۱۰۷

عنوان نوعی گستردنی، در تزیین تابوت متوفی کاربرد دارند. گرامی داشتن پهلوانان دلیر میدان‌های نبرد که جان خود را از دست داده و یا بر تابوت پادشاهان از بافته‌های شکیل و گران‌قیمت استفاده می‌کرده‌اند که در این میان وجه بارز این کاربرد دیبه خسروی است که به عنوان کف‌پوشی گستردنی بر تخت پادشاهان نیز کاربرد دارد. بر تخت سهراب، رستم، اسفندیار، بهرام نمونه مواردی است که به دیبای خسروی اشاره شده است. از دیبای زربفت تنها در گرامی داشتن مادر سیاوش توسط کاووس شاه که غیر از مراسم عزا است استفاده شده است.

۴. به‌عنوان هدیه و پیشکش: مهم‌ترین کاربرد گستردنی در شاهنامه فردوسی با بیشترین فراوانی استفاده به عنوان پیشکش و هدیه است که از سرزمینی به سرزمین دیگر فرستاده می‌شده است و در کنار دینار، زر، غلامان و کنیزان، گستردنی‌ها و پوشیدنی‌ها از جمله هدایای شاهانه‌ای است که به عنوان تحفه کاربرد داشته است.

۵. جهیزیه عروس: در آداب و فرهنگ ایرانی اشاره شده در شاهنامه فردوسی، در برگزیدن همسری یک زن برای مرد، همراه با ورود زن، بهترین اشیای موجود که زن می‌تواند همراه خود بیاورد گستردنی‌هاست. هدایای همراه سودابه به درگاه کاووس، کتابیون در همسری گشتاسب یا همسری فرنگیس بر سیاوش از جمله این موارد است که هر سه زنانی از سرزمین غیر از ایران می‌باشند.

۶. غنائم جنگی: در شاهنامه اشیاء و افراد به عنوان غنائم مورد توجه بوده‌اند. گاه در تصرف سرزمین دشمن و تصرف بارگاه شاه سرزمین مخالف، گستردنی‌ها نیز بخشی از غنائم مورد توجه بوده‌اند. غنائم اموال سام، توس، بهمن، غنائم همراه رستم در مقابله سپاه افراسیاب و یا غنائم اسفندیار از درگاه ارجاسب.

۷. تجارت و بازرگانی: توجه به بعد اقتصادی و بازرگانی گستردنی‌ها، به عنوان بافته‌ای خاص به‌طور صریح در شاهنامه بیان نشده است؛ چرا که شاهنامه بازآفرینی فرهنگ حماسی است و توجه به قدرت پادشاهان و حفظ سرزمین که از مولفه‌های دو دوره پیشدادی و کیانی است، اما؛ گاه برای پیروزی بر دشمن قهرمانان به صورت بازرگان که در کنار دیگر محصولات ایرانی فرش را نیز به همراه دارد قابل توجه است. رستم در کسوت

بازرگان فرش، وارد توران می‌شود که تغییر کسوت رستم در قالب حرفه‌ای که شک برانگیز نباشد از غنی بودن مبادلات پیش از آن اشاره دارد.

۸. اموال خزانه: خزانه، محل نگهداری اشیای گران‌قیمت بوده است که زمانی فریدون، خزانه ضحاک را در اختیار می‌گیرد و نیز همین‌طور در دوره کیانی، که هدایای شاه از خزانه به بزرگان و یا دلیران داده می‌شده است توصیف شده‌اند.

از میان کاربردهای اشاره شده، غنیمت جنگی بودن و حوزه تجارت و بازرگانی خاص دوره کیانیان است. جهیزیه‌ی عروس از جمله مواردی است که در برگزیدن زنانی از سرزمین بیگانه همراه شهبانوان بوده است؛ مابقی کاربردهای اشاره شده در دوره پیشدادیان و کیانیان مشترک است. البته دوره پیشدادی، به دلیل تلاش برای پی‌بردن به دانش بافت فرش حائز اهمیت است.

معادل‌های کاربرد گستردنی

با جستجو در اشعار شاهنامه، کاربردهایی که جهت گستردنی اشاره شده است را می‌توان در نمونه استفاده‌های امروزی از گستردنی یا فرش یافت. استفاده از فرش در جشن و اعیاد، از زیباترین و بهترین نمونه فرش‌ها در تاریخ ایران از تاجگذاری شاهان تا میهمانی‌ها و اعیاد تکرار شده است. امتداد دیبه بر تابوت را در بین مردم استان فارس می‌توان دید که امروزه بر تابوت مردگان، گلیمی خوش‌رنگ و گران‌بها می‌گسترانند، به عنوان جهیزیه که توسط دختران جوان بافته می‌شود، امروزه در قالب کف‌پوش یا دیوارپوش ادامه دارد و به‌عنوان هدیه و پیشکش بوده؛ فرش دستباف یکی از روش‌های معمول معرفی فرش ایرانی به جهان خارج از ایران بوده است و با هدایای شاهان صفوی به فرنگی‌ها آغاز گردید. در سطح عموم نیز هدیه دست‌بافته‌ها به افراد خاص، جایگاه خاصی در کاربرد فرش دستباف ایجاد کرده است.

بعد تجاری این کالا که در ایجاد اشتغال و ارزآوری دارای اهمیت بوده و با علم‌نوین بازاریابی و تجارت فرش عجین شده است؛ یکی از مهم‌ترین اهداف تولیدکنندگان فرش است. سرمایه‌ای بودن این کالا و توان مبادلاتی آن که دانش مخصوص نگهداری و مکان‌های خاصی را برای انبار و مبادله ایجاد نموده است، از اهمیت و تلاش برای تداوم

فرهنگی دامنه‌دار منبعث می‌شود. در تاریخ، اشاره به فرش بهارستان، به عنوان غنیمت جنگی شده است؛ اما امروزه کاربرد غنیمتی بودن این شی کمتر رایج است. یافتن معادل‌های کاربرد فرش، دامنه در دانش و آدابی کهن از مردمانی دارد که با تغییرات در صورت و نه معنا و با حفظ ماهیت بومی و اندیشه‌ی ایرانی همچنان رواج یافته است، تا زمینه تداوم ارتباط فرش با هویت ملی باقی بماند و این مؤلفه اصالت فرهنگ ایرانی معرفی شود. دیرینه‌گی کاربرد فرش و گستردگی در سایر متون نیز تأکیدی بر ریشه‌های عمیق این هنر - صنعت در نزد ایرانیان دارد.

اشارات سایر متون به فرش در دوره‌های پادشاهان پشدادی و کیانی

همسو با شاهنامه فردوسی، متون متعددی به آغاز بنیاد توجه به بافته‌ها و سیر تحول فرش باقی کهن ایران نظر داشته‌اند. اشاره شده است که «هوشنگ دیوان را قهر کرد و آهنگری و درودگری و بافندگی پیشه کرد، و انگبین از زنبور و ابریشم از پیله برون آورد». ^۱ مردم را به «اهلی کردن حیوانات و کشتن درندگان و استفاده از پوست آنان برای تهیه لباس و پلاس [وادار کرد]» ^۲ در اوستا آمده «هوشنگ پشدادی در پای کوه البرز بر تخت زرین، بر بالش زرین، بر فرش زرین، در برابر برسم گسترده، با دستان سرشار او را بستود». ^۳ همین وصف در اوستا برای طهمورث، جمشید، ازی‌دهاک، فریدون و نوذر آمده است.

دوره‌ی طهمورث، ریسیده شدن پشم و موی حیوان و کاربرد برای پوشیدنی و تلاش برای ایجاد گستردنی اهمیت می‌یابد. «دیوان را در طاعت آورد و بازارها و کوچه‌ها بنهاد، و ابریشم و پشم بیافت». ^۴ او «اول کس بود که از پشم و موی پوشش گرفت و اول کس بود که از اسب و استر و خر آرایش پادشاهی کرد». ^۵

۱. عمر خیام (۱۳۱۲)، نوروزنامه، به‌کوشش مجتبی مینوی، تهران: مهرگان، ص ۶.

۲. ثعالی (۱۳۸۵)، شاهنامه ثعالی در شرح احوال سلاطین ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: اساطیر، ص ۳.

۳. گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه (۱۳۷۱)، اوستا، تهران: مروارید، ص ۴۷۷.

۴. نوروزنامه، ص ۷.

۵. طبری، (۱۳۶۵)، تاریخ الرسل والملوک، ج ۱ و ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ص ۷۵.

جمشید بفرمود تا «دیبا را ببافتند، و دیبا را پیش از ما دیو بافت خواندندی اما آدمیان به عقل و تجربه و روزگار بدینجا رسانیده‌اند که می‌بینی... جم رشتن ابریشم و کز و کتان و بافتن پارچه و دوختن البسه مختلفه و پوشیدن آنها را به مردم تعلیم کرده و مردم را به استخراج معادن طلا و نقره و مس و سرب واداشت... آنگاه بساختن ارابه‌ای از عاج و چوب چیت اشارت کرد که فرشی از دیبا در آن بگسترانند»^۱ ثعالبی نیز مانند سایر منابع، به این ارابه اشاره می‌کند. با تأکید بر مواد اولیه مانند کتان، مو و قز برای بافتن دیبا و خز فردوسی در زمان جمشید اشاره می‌کند و شاید اولین مرحله از تولید زیرانداز به شکل عبور پود از میان تار بوده، که ساده‌ترین صورت گلیم‌بافی است. در زمان فریدون، از رشتن و بافتن سخنی گفته نمی‌شود. ظاهراً آنچه آموختنی بود از رشتن و بافتن در دوره‌های قبل صورت گرفته و کاربری اشیای مرتبط متفاوت می‌شود. فریدون «امر به ارائه خزائن داد. ... اشیا عتیقه از قبیل گهرهای گران‌بها و منسوج زربفت و ... پس امر داد همه را در صندوق‌ها نهادند و نیز آنچه در مخازن فرش و اسلحه و سایر اشیا وجود داشت بدین صورت درآورده تحویل خزینه‌داران داد»^۲.

به‌طور کلی گستردنی در نوع خود، کالایی تجملاتی محسوب می‌شده است. در اشارات نویسندگان قرون اولیه اسلامی نیز به فرش‌بافی مناطق کهن اشاره شده است؛ اما دامنه آن اشارات به عهد پیشدادی و کیانی نمی‌رسد. از مجموع این اشارات می‌توان به اهمیت فرش و گستردنی در تمدن کهن ایرانی پی برد.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نوروزنامه، ص ۷-۶.

۲. شاهنامه ثعالبی در شرح احوال سلاطین ایران، ص ۱۷.

نتیجه

شاهنامه، در مقام فرهنگ نامه‌ی ایرانیان، مرجع کلانی است که پیوسته زبان گویای تمدن ایران است و فرش، به عنوان کالایی کاربردی تا شی‌ای زبینه در جای جای کلام فردوسی قرار دارد. عصر پیشدادیان و بخشی از دوره کیانیان، که دوره‌ی پیش از تاریخ است و اشارات فردوسی به شیوه دست‌یابی به بافت فرش و کاربردهای آن، نکاتی قابل توجه است.

فردوسی در مقام راوی، بیانگر ماهیت فرهنگی است که در زبانی هنرمندانه از ابتدا تا به انتها تداوم و توالی کلمات و تناسب آنها با سایر کاربردهای گسترده‌ی دوران کهن و اساطیری تمدن ایرانی را بیان می‌دارد. تأکید بر بیان حقایقی که قدمت فرش را به زمانی کهن تر می‌برد. از طرفی پس از این دوران، با منبع مستندی چون فرش پازیریک مواجه می‌شویم که شاهی بر توانایی و تسلط و شکل‌گیری ساختار فرش بافی در گذشته این مردم است. با این تعبیر با توجه و استخراج آرای فردوسی، آمیختگی فرش با عمیق‌ترین لایه‌های تمدن ایرانی قابل دریافت است. در ادامه این پژوهش، در نظر است در مطالعه‌ی دیگر با توجه به انبوه شواهد و یافته‌های باستان‌شناسی، با بررسی ابزارهای کشف شده و مطابقت با ابزارهای فرش بافی در دوره‌های متعدد تاریخی، بنیادهای کهن این هنر - صنعت در نزد ایرانیان بررسی و تحلیل شود.

فهرست منابع و مآخذ

- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۴۷)، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: شرکت بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- باستید، روز (۱۳۷۰)، دانش اساطیر، ترجمه جلال ستاری، تهران: ققنوس.
- بویل، جی آ (۱۳۸۹)، تاریخ ایران کمبریج از سلوکیان تا فروبانی دولت ساسانی (جلد سوم / بخش اول)، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکر روز.
- ثاقب فر، مرتضی (۱۳۷۷)، شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، تهران: قطره.
- ثعالی، ابومنصور عبدالملک بن محمد (۱۳۸۵)، شاهنامه ثعالی در شرح احوال سلاطین ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: اساطیر.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله (۱۳۸۱)، مدیریت هنر و صنعت فرش ایران، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۷)، تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش بافی ایران، تهران: سمت.
- حصوری، علی (۱۳۸۱)، مبانی طراحی سنتی در ایران، تهران: چشمه.
- خیام نیشابوری (۱۳۱۲)، نوزنامه، به کوشش مجتبی مینوی، تهران: مهرگان.
- دوستخواه، جلیل (گزارش و پژوهش) (۱۳۷۱)، اوستا، تهران: مروارید.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۴)، شناخت نامه‌ی فردوسی و شاهنامه، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی، تهامی، مرتضی، «سیر تحول اساطیر ایران بر بنیاد اسطوره‌های پیشدادی و کیانی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۱، پاییز و زمستان، ۱۳۸۷.
- زوله، تورج (۱۳۸۱)، پژوهشی در فرش ایران، تهران: یساولی.
- طبری (۱۳۶۵)، تاریخ الرسل والملوک، ج ۲، ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶)، شاهنامه فردوسی: طبع انتقادی شاهنامه فردوسی، ج ۱ تا ۶، به تصحیح جلال خالقی مطلق و زیر نظر اسان یارشاطر، نیویورک و کالیفرنیا: Bibliotheca Persica. و مزدا.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۰)، مازهای راز، تهران: مرکز.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ لغت، ج ۳ و ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- مولف ناشناس (۱۳۱۴)، تاریخ سیستان، به تصحیح ملک‌الشهرای بهار، تهران: زوار.
- مولف ناشناس (۱۳۶۲)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، ترجمه منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- نولدکه، تئودور (۱۳۵۷)، حماسه ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، تهران: سپهر.